یادداشت

حسین فصیحی

تکیه سارقان به دیوار

یکی از مهم‌ترین دغدغه سارقان همواره فروش اموال سرقتی بوده است، یعنی پیدا کردن فردی که بشود مال سرقت شده را با قیمت خوبی به او فروخت و در عین حال خریدار، فردی مورد اعتماد هم باشد تا آمار فرد سارق را به پلیس گزارش نکند.

تجربه اما نشان داده است که مالخران، اموال سرقت شده را به قیمت پایینی از سارقان می‌خرند و زمانی که دست پلیس به آنها برسد، مشخصات سارقان را در اختیار مأموران قرار می‌دهند، از همین رو یکی از روش‌های بازداشت سارقان، همواره نظارت پلیس روی فعالیت مالخران بوده است.

گسترش شبکه‌های مجازی و فعال شدن کسب و کار در این شبکه‌ها، تغییر گسترده‌ای در کسب و کار سارقان ایجاد کرده و فضای تازه‌ای را پیش روی آنها قرار داده است، از همین رو این فضا مورد اقبال بخش گسترده‌ای از سارقان قرار گرفته‌است. مهم‌ترین موضوع برای سارقان، از بین رفتن واسطه‌ای به نام مالخران و مهم‌تر از آن مصون ماندن از گرفتار شدن آسان به دست پلیس است. در فضای ایجاد شده، سارقان هم اموال سرقت شده را به قیمت روز در سایت‌های دیوار یا شیپور به فروش می‌رسانند و از این راه هم پول حسابی به جیب می‌زنند و هم کسب و کار مالخرانی که با ترس با آنها کار می‌کردند را کساد می‌کنند، بنابراین یکی از مهم‌ترین دلایلی که سبب برقرار ماندن رونق کسب و کار سارقان شده‌است، می‌تواند مربوط به همین باشد، یعنی تبدیل آسان اموال سرقتی به پول نقد. در مورد انتشار آگهی در این سایت‌ها که کالای دسته دوم هم عرضه می‌کنند هیچ منعی برای افراد وجود ندارد. این امکان تنها از طریق یک گوشی تلفن همراه هوشمند فراهم می‌شود.

در حال حاضر سارقان پس از سرقت اموال، عکس آن را با گوشی تلفن همراهشان تهیه کرده و پس از دریافت یک کد از سایت دیوار یا شیپور، آگهی فروش کالا را در سایت منتشر می‌کنند و بعد از پیدا کردن خریدار آن را به فروش می‌رسانند. در مورد کالاها هم محدودیت چندانی برای عرضه آن وجود ندارد. از طلا گرفته تا اشیای عتیقه، شمشیرهای سامورایی و گاهی اسلحه و خلاصه هر چیزی که بشود با فروش آن به پول نقد رسید.

اگر سری به این سایت‌های پرطرفدار زده باشید با بازار گسترده‌ای مواجه خواهید شد که هر ثانیه بر شمار کالاهایی که در آن عرضه می‌شود اضافه می‌شود، بنابراین شناسایی کالای سرقتی بین کالاهای عرضه شده امری غیرممکن خواهد بود. یکی از مهم‌ترین دلایل این عدم امکان، مربوط است به رویه‌ای که در فضای حقیقی در خرید و فروش اموال وجود دارد به این معنی که کالاهای خریداری شده از فروشگاه یا مغازه‌ها، فاقد شناسه هویتی هستند و همین فقدان شناسه هویتی سبب می‌شود تا کالا به راحتی در هر محلی به فروش برسد بدون اینکه امکان ردیابی آن از سوی پلیس وجود داشته‌باشد، بنابراین تا زمانی که رویه مستقر در جریان است کسب و کار این دسته از تبهکاران هم رونق خواهد داشت. موضوع دیگر درباره اقدام‌های پلیسی و قضایی برای مقابله با این اقدام سارقان است. بدون تردید پلیس نمی‌تواند مانع ارائه آگهی دادن افراد به این دسته از سایت‌ها شود؛ چراکه مشخصه‌ای برای سرقتی بودن کالاها وجود ندارد. همچنین نمی‌تواند مانع فعالیت قانونی این سایت‌ها شود؛ چراکه در حال حاضر این دسته از فعالیت‌ها در جریان گسترش شبکه‌های مجازی در سراسر جهان صورت گرفته و مدیران آن هم به صورت قانونی مجوزهای فعالیت را از منابع قانونی دریافت کرده‌و با پلیس هم همکاری کرده‌اند. در حال حاضر تنها راه کاهش امکان بروز عمل مجرمانه در این دسته از سایت‌ها را تنها می‌توان با ارتقای ضریب امنیتی، آن هم از راه راستی آزمایی بیشتر کاربران به کار گرفت که تجربه نشان داده است که سارقان به راحتی راه‌های دور زدن این دسته از راستی آزمایی‌ها را با به کار گرفتن سیم کارت‌های اعتباری یا فاقد هویتی آموخته و آن را به کار گرفته‌اند. مخلص کلام اینکه گسترش فعالیت‌های مجازی برای فروش کالا سبب افزایش بروز جرائم خصوصاً سرقت‌های خرد خواهد شد که متولیان امر به جای دویدن به دنبال سارقان در خیابان‌ها باید روش‌های پیشگیرانه در فضای مجازی را بررسی کنند و آن را به کار بندند.

شکار فروشندگان زعفران و برنج در سایت دیوار

مرد فریبکار که پس از شناسایی فروشندگان زعفران و برنج در سایت دیوار آنها را فریب داده و اموالشان را با چک‌های بین بانکی قلابی خریداری می‌کرد، سرانجام به دام پلیس افتاد.

به گزارش جوان، فروردین‌ماه امسال بود که زنی وارد کلانتری ۱۱۳ بازار شد و علیه مرد فریبکار شکایت کرد. او گفت: برای فروش یک محموله برنج در سایت دیوار آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. بعد از توافق بر سر قیمت آن مرد به محل کارم آمد. از آنجا که در آن ساعت بانک‌ها تعطیل بود در قبال پول یک چک بین بانکی به من داد و محموله برنج را با خودش برد. صبح روز بعد که برای نقد کردن چک راهی بانک شدم متصدی آن گفت که چک قلابی است و هیچ ارزشی ندارد. بعد از مطرح شدن شکایت، پرونده به دستور بازپرس شعبه یک دادسرای ناحیه ۱۲ تهران به پایگاه‌هفتم پلیس آگاهی تهران فرستاده شد و تحقیقات برای بازداشت مرد فریبکار به جریان افتاد. بررسی‌ها نشان داد که متهم به همین شیوه از فروشندگان برنج و زعفران در تهران و کرج کلاهبرداری کرده‌است. در شاخه دیگری از تحقیقات کارآگاهان پلیس سرانجام موفق شدند، مخفیگاه متهم را در خیابان قزوین شناسایی و ۱۳ آبان‌ماه او را بازداشت کنند. متهم ۳۳ساله که متأهل و صاحب یک فرزند بود، در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت که اولین بار است که مرتکب جرم شده است. وی گفت: بعد از پرسه در سایت دیوار فروشندگان برنج و زعفران را شناسایی می‌کردم. بعد از آن در فرصت مناسب به محل کارشان می‌رفتم و بعد از پایان کار یک کپی رنگی که از چک‌های بین بانکی تهیه کرده‌بودم در اختیارشان می‌گذاشتم و اموالشان را سرقت می‌کردم.

سرهنگ کارآگاه علیزاده رئیس پایگاه‌هفتم پلیس آگاهی پایتخت گفت: در حال حاضر چهار نفر از مالباختگان شناسایی شده‌اند و ارزش مالی پرونده در حال حاضر ۸۳ میلیون تومان است. وی گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم همچنان در جریان است.

سرقت جهیزیه عروس برای تأمین هزینه اعتیاد

مرد معتاد که برای تأمین هزینه اعتیادش با دستبرد به انباری اقدام به سرقت جهیزیه عروس کرده‌بود، سرانجام بازداشت شد.

به گزارش جوان، ۲۷ خردادماه امسال بود که این پرونده از شعبه اول دادسرای ناحیه ۱۵ تهران به پایگاه‌ششم پلیس آگاهی تهران فرستاده‌شد. شاکی که زنی میانسال بود در شرح شکایت خود گفت: از مدتی قبل در تدارک عروسی دخترم بودم و جهیزیه‌اش را در انباری ساختمان گذاشته بودیم. امروز که برای سرکشی به انباری رفته‌بودم متوجه شدم که قفل در انباری شکسته شده و از جهیزیه خبری نیست و همه جهیزیه که ۹۰میلیون تومان ارزش داشت سرقت شده‌است. زن میانسال ادامه داد: من به کسی مظنون نیستم اما برای پیدا کردن دزد و بازگرداندن جهیزیه از پلیس درخواست کمک دارم. بعد از مطرح شدن شکایت تیمی از کارآگاهان با حضور در محل سرقت و انجام تحقیق از ساکنان متوجه شدند که سارق یا سارقان به چند انباری دیگر در آن مجتمع مسکونی دستبرد زده و مقدار زیادی از اموال ساکنان سرقت شده است.

در شاخه دیگری از بررسی‌ها کارآگاهان با بررسی دوربین‌های مداربسته متوجه شدند که سرقت از سوی یکی از ساکنان که مردی ۳۰ساله به نام وحید رقم خورده است. در بررسی بیشتر مشخص شد که وحید از مدتی قبل به مصرف مخدر شیشه اعتیاد پیدا کرده‌است. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که بیستم آبان‌ماه وحید به عنوان مظنون بازداشت شد. او وقتی مورد بازجویی قرار گرفت اتهام سرقت را انکار کرد و گفت نقشی در سرقت نداشته‌است. متهم اما وقتی با تصاویر دوربین مداربسته مواجه شد به جرمش اعتراف کرد. وحید گفت: من از مدت‌ها قبل به مصرف مخدر شیشه اعتیاد پیدا کردم. بعد از آن برای تهیه مواد به پول نیاز داشتم اما به خاطر اینکه درآمدی نداشتم تصمیم به سرقت از انباری ساکنان ساختمان گرفتم. در فرصت‌های مناسب با تخریب قفل درها وارد انباری‌ها می‌شدم و اموال داخل آن را سرقت می‌کردم. داخل یکی از انباری‌ها بود که متوجه جهیزیه عروس شدم. بعد هم جهیزیه را به صورت تدریجی از ساختمان خارج می‌کردم و به ضایعات‌های دوره‌گرد می‌فروختم و با پول آن شیشه می‌کشیدم.

سرهنگ کارآگاه بهزاد اختیاری، رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی پایتخت گفت: در حال حاضر ۱۳ نفر از مالباختگان که ساکنان مجتمع مسکونی هستند شناسایی شده‌اند و متهم نیز از سوی بازپرس شعبه اول دادسرای ناحیه ۱۵ تهران روانه زندان شد.

انکار ۴ جنایت پس از اعتراف

بوکسور حرفه‌ای حرفش را عوض کرد

بوکسور حرفه‌ای که از یکسال قبل به اتهام قتل چهار عضو خانواده‌اش در بازداشت به سر می‌برد در حالی روز گذشته جنایت‌های خود را انکار کرد که در جریان تحقیقات اتهام‌های خود را پذیرفته و صحنه جنایت را هم بازسازی کرده‌بود. متهم ۴۶ساله که کمال نام دارد در جریان بازجویی‌ها اختلاف شدید خانوادگی با خانواده همسرش را انگیزه‌ای برای ارتکاب جنایت عنوان کرده بود.

به گزارش جوان، رسیدگی به این پرونده از ۲۵ آبان‌سال گذشته و با مراجعه مرد بوکسوری به کلانتری ۱۳۲ نبرد به جریان افتاد. این مرد که کمال نام داشت و همراه برادرش وارد کلانتری شده‌بود به قتل چهار عضو خانواده‌اش اعتراف کرد. برادر او در شرح ماجرا به پلیس گفت: «برادرم بوکسوری حرفه‌ای است و ۲۵ سال است که در این رشته فعالیت می‌کند. او از همسرش مهین طلاق گرفته بود با این حال مهین برای دیدن دو دخترش به خانه برادرم رفت و آمد داشت تا اینکه آنها هفته قبل با هم درگیر شدند.» برادر کمال ادامه داد: «ساعتی قبل برادر مهین تماس گرفت و گفت پدر و مادرش برای دیدن نوه‌هایشان به خانه کمال رفته‌اند اما آنها به تماس‌هایش جواب نمی‌دهند، این شد که با کمال تماس گرفتم، اما از جوابی که داد شوکه شدم. او گفت دو دختر و مادرزن و پدرزنش را به قتل رسانده است! بعد از قطع تلفن بلافاصله به خانه آنها رفتم و با آن صحنه هولناک مواجه شدم و برادرم را راضی کردم تا خودش را به پلیس معرفی کند.»

■ اعتراف به قتل

بعد از این توضیحات، تیمی از مأموران کلانتری به محل حادثه که طبقه اول ساختمان مسکونی در خیابان پیروزی بود حاضر شدند و با اجساد دو دختر ۱۹ و ۱۷ساله و مرد و زن ۷۹ و ۷۰ساله روبه‌رو شدند که با ضربات چاقو به قتل رسیده بودند.

با انتقال اجساد به پزشکی قانونی متهم در پلیس آگاهی تحت بازجویی قرار گرفت و با اقرار به چهار قتل در توضیح ماجرا گفت: «اختلاف‌های شدیدی با خانواده همسرم داشتم و به فکر انتقام افتادم. فکر می‌کردم پدر و مخصوصاً مادر همسرم باعث اختلاف بیشتر من و همسرم می‌شوند. به همین خاطر و به خاطر اختلافات خانوادگی آنها را کشتم.»

■ در جلسه محاکمه

متهم بعد از بازسازی صحنه جرم روانه زندان شد و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیروز روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی قربان‌زاده قرار گرفت. ابتدای جلسه مهین، همسر سابق متهم در جایگاه ایستاد و گفت: «برای قتل دو دختر و مادرم دیه می‌خواهم و برای قتل پدرم درخواست قصاص دارم.» مهین در پاسخ به سؤال هیئت قضایی درباره اینکه بعد از طلاق دوباره رجوع کرده و به عقد موقت در آمده بودی؟ گفت: «خیر، بعد از طلاق متهم بارها تماس گرفت اما من جواب تماس‌هایش را نمی‌دادم و صیغه او هم نبودم.» در ادامه برادر و خواهر مهین هم برای قتل مادرشان درخواست دیه و برای قتل پدرشان درخواست قصاص کردند.

■ انکار پس از اقرار

بعد از درخواست اولیای دم، متهم ۴۹ساله در جایگاه ایستاد و بر خلاف اعتراف‌های قبلی و بازسازی صحنه قتل این بار جرمش را انکار کرد و گفت: «همسرم بعد از طلاق به خاطر دیدن بچه‌ها کلید خانه را داشت و به منزلم رفت و آمد می‌کرد. آن شب وقتی از خواب بیدار شدم و از اتاقم بیرون آمدم با جسد دو دختر، پدر و مادر همسرم روبه‌رو شدم و اقدام به خودکشی کردم که موفق نشدم.»

متهم ادامه داد: «تحت تأثیر حادثه اوضاع روحی خوبی نداشتم. اگر چهار قتل را گردن گرفتم به خاطر این بود زودتر قصاص شوم تا پیش فرزندانم برگردم!»

در ادامه ریاست دادگاه اعتراف‌های متهم در دادسرا و پلیس آگاهی را برای دادگاه قرائت کرد و در خصوص اظهارات متهم درباره حادثه گفت: «طبق اظهارات و بازسازی صحنه جرم، آن شب چند کیلو موز و چند بطری شیر خریدی و به خانه رفتی. برای مقتولان شیر موز درست کردی و بعد مقدار زیادی داروی خواب‌آور داخل لیوان شیر موزهای آنها ریختی و به آنها خوراندی. دو دخترت در حالیکه تلویزیون تماشا می‌کردند خواب‌آلود می‌شوند. سپس به اتاق خوابشان می‌روند و می‌خوابند. سپس پدر بزرگ و مادربزرگشان نیز در پذیرایی می‌خوابند. تو ساعتی بعد یک چاقوی بزرگ از آشپزخانه برمی‌داری و سراغ دختر بزرگت که دانشجوی رشته حقوق بود می‌روی. او بیدار می‌شود و مقاومت می‌کند. بعد از قتل او، دختر کوچکت بیدار می‌شود که بلافاصله او را هم به قتل می‌رسانی. در آخر پدر و مادر همسر سابقت را نیز با ضربات چاقو می‌کشی. بعد از ارتکاب به چهار قتل دو بطری آب و مقداری میوه می‌خوری اما پشیمان می‌شوی. بالای سر دخترانت ساعاتی را گریه می‌کنی و در آخر وقتی برادرت تماس می‌گیرد ماجرا را توضیح می‌دهی. برای این اظهارات چه پاسخی داری؟» متهم گفت: «برای اینکه زودتر بمیرم این اظهارات را مطرح کردم. حالا می‌گویم قاتل نیستم!»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

ربودن عتیقه فروش برای سرقت هیوندا

سه مرد آدم‌ربا که مرد عتیقه‌فروشی را برای سرقت خودروی هیوندایش ربوده‌بودند، پس از دستگیری مدعی شدند با شاکی اختلاف حساب دارند.

به گزارش جوان، چندی قبل مردی سراسیمه به اداره پلیس رفت و از سه مرد به اتهام آدم‌ربایی و سرقت خودروی هیوندایش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: من مغازه عتیقه‌فروشی در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران دارم. چند روز قبل یکی از دوستانم به نام کیوان که از مشتریان قدیمی من است تلفنی مردی را به من معرفی کرد و گفت مقداری سکه قدیمی دارد و از من خواست پیش او بروم و سکه‌هایش را قیمت‌گذاری کنم. در نهایت امروز با آن مرد در حوالی یکی از ایستگاه‌های متروی شرق تهران قرار گذاشتم و با خودروی گرانقیمتم راهی محل شدم. در نزدیکی مترو آن مرد با من تماس گرفت و گفت داخل خودرواش در یکی از کوچه‌های خلوت کنار مترو منتظر من است و خواست خودروام را پارک کنم و پیش او بروم. پس از اینکه خودروام را پارک کردم وارد کوچه خلوت و تاریک شدم که ناگهان سه‌مرد به من حمله‌ور شدند و پس از کتک کاری چشمان و دست‌ها و پاهایم را بستند و داخل صندوق عقب خودرو انداختند. من بی‌هوش شدم و وقتی به هوش آمدم متوجه شدم آدم‌ربایان مرا در اتاقی حبس کرده‌اند. دقایقی بعد مردی به اتاق آمد و قولنامه‌ای را پیش رویم قرار داد که در آن نوشته شده‌بود، من خودروی گرانقیمتم را به او فروخته‌ام و مجبورم کرد قولنامه را امضا کنم. حدود ۱۲ ساعت داخل اتاق حبس بودم تا اینکه در نهایت دوباره چشمان و دست‌ها و پاهایم را بستند و به صندوق عقب خودرو انتقال دادند و ساعتی بعد در باغ متروکه‌ای اطراف تهران رها کردند و از محل گریختند. سپس با داد و فریاد درخواست کمک کردم و دقایقی بعد باغبانی به فریادم رسید و دست و پاهایم را باز کرد که برای شکایت به اداره پلیس آمدم.

■ صدای آدم‌ربایان آشنا بود

با طرح این شکایت تیمی از مأموران پلیس به دستور قاضی پرونده تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کردند. در حالی که مأموران در بررسی دوربین‌های مداربسته هیچ ردی از آدم ربایان پیدا نکردند، شاکی به اداره پلیس رفت و سرنخی از متهمان را در اختیار مأموران قرار داد.

وی گفت: در آن ۱۲ ساعتی که حبس بودم از پشت در صدای دو نفر از آدم‌ربایان که به گوشم می‌رسید، خیلی آشنا بود و الان صداهای آشنا را شناختم و فهمیدم که یکی از آنها کیوان بوده و دیگری هم یکی از دوستانم به نام شهباز است که به این بهانه مرا به کوچه خلوتی کشاندند و با همدستی مرد ناشناسی مرا ربودند. بدین ترتیب مأموران کیوان و شهباز را تحت نظر گرفتند و وقتی در بررسی‌های فنی دریافتند دو دوست شاکی در آدم‌ربایی دست داشته‌اند، هر دو متهم را بازداشت کردند.

دو متهم ابتدا با تناقض گویی قصد فریب مأموران را داشتند، اما در بازجویی فنی به جرم خود با همدستی یکی از دوستانشان به نام فریبرز اعتراف کردند.

■ اعتراف به آدم ربایی

کیوان در بازجویی‌ها گفت: من و شهباز چند سالی است با شاکی در کار خرید و فروش عتیقه و اجناس گرانقیمت فعالیت می‌کنیم. مدتی قبل تعدادی عتیقه به قیمت ۱۰۰ میلیون تومان به یکی از دوستان شاکی فروختیم. آن روز شاکی، دوستش را ضمانت کرد و ما هم از او چک یا سفته‌ای بابت بدهی‌اش نگرفتیم. خریدار قرار بود چند ماه بعد بدهی و سود آن را به ما برگرداند، اما ناگهان ناپدید شد و پول ما را هم نداد. من و شهباز خیلی به دنبال او گشتیم اما خبری از خریدار پیدا نکردیم که به سراغ شاکی که او را ضمانت کرده بود، رفتیم و از او خواستیم بدهی دوستش را جبران کند، اما او قبول نکرد و پولی به ما نداد. در این مدت شاکی هر روز بهانه‌ای می‌گرفت تا اینکه ما با همدستی یکی از دوستانمان به نام فریبرز نقشه آدم‌ربایی او را طراحی کردیم و روز حادثه او را به بهانه قیمت‌گذاری سکه‌های عتیقه به محل خلوتی کشاندیم و نقشه‌مان را اجرا کردیم. ما از او قولنامه‌ای امضا شده گرفتیم که نوشته بودیم خودرواش را به شهباز فروخته است و می‌خواستیم بعد از اینکه پولمان را پس داد خودرواش را پس دهیم.

پس از این مأموران فریبرز را هم شناسایی و دستگیر کردند. فریبرز و شهباز هم در بازجویی‌ها حرف‌های کیوان را تأیید کردند. سه متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار مأموران پلیس قرار گرفتند.

شکایت از راننده اتوبوس شهری به اتهام قتل خانم معلم

تحقیقات درباره پرونده خانم معلمی که پس از سقوط از پنجره اتوبوس شهری به کام مرگ رفته با دستگیری راننده خودرو وارد مرحله‌ای تازه شد.

به گزارش جوان، رسیدگی به این پرونده از شامگاه پنج‌شنبه ۲۳ آبان امسال همزمان با اعلام سقوط مرموز خانم معلمی از اتوبوس شهری حوالی میدان رسالت از سوی مأموران پلیس آغاز شد.

آن روز مأموران کلانتری ۱۳۶ فرجام به بازپرس، کشیک قتل دادسرای امور جنایی پایتخت اعلام کردند، ساعت ۲۳:۳۰ شب زن ۴۰ساله‌ای که معلم مدرسه‌ای است به طرز مرموزی از داخل اتوبوس خط میدان صنعت-رسالت به پایین پرت و به شدت زخمی شده و به بیمارستان منتقل شده است.

در نخستین گام مأموران به دستور بازپرس، راننده اتوبوس را بازداشت کردند. وی در بازجویی‌های اولیه گفت: این زن مانند دیگر مسافران از میدان صنعت به مقصد میدان رسالت سوار اتوبوس شد که پس از پیاده شدن مسافران قرار بود در خیابان دیگری او پیاده شود. در میانه راه او از من خواست خودرو را نگه دارم که به او گفتم اینجا ایستگاه نیست و او ناگهان خودش را از پنجره اتوبوس به بیرون پرت کرد.

در حالی که چند روزی از حادثه گذشته بود و تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت مأموران با خبر شدند خانم معلم بر اثر شدت جراحات در بیمارستان فوت کرده است.

پس از این شوهر زن فوت شده و اولیای‌دم به دادسرای امور جنایی رفتند و از راننده اتوبوس به اتهام قتل عمد شکایت کردند. شوهر خانم معلم گفت: من در میدان رسالت منتظر همسرم بودم و او تلفنی به من خبر داد که سوار اتوبوس خط واحد میدان صنعت شده تا پیش من بیاید. در حالی که منتظر او بودم به من خبر دادند که همسرم از اتوبوس به پایین پرت و زخمی شده‌است. وی در ادامه گفت: مدتی قبل همسرم از سوی راننده و سرنشین خودروی سواری که به عنوان مسافر سوار شده‌بود، مورد زورگیری قرار گرفته‌بود و به خاطر همین همسرم همیشه هراس داشت و من احتمال می‌دهم او از راننده اتوبوس هم به دلایلی ترسیده و خودش را به پایین پرت کرده است. بدین ترتیب مأموران دوباره از راننده تحقیق کردند. وی در حالی که در تحقیقات اولیه روایت دیگری را از حادثه گفته بود در بازجویی‌های بعدی در دو روایت دیگر از حادثه را بازگو کرد. متهم در ادعای دیگری گفت: آن روز در حال حرکت بودم که از آیینه خودرو متوجه شدم این زن خودش را از پنجره اتوبوس آویزان کرده‌است و ناگهان خودش را به داخل خیابان پرت کرد. پس از این خودرو را متوقف کردم و موضوع را به پلیس و اورژانس خبر دادم. وی در بازجویی‌ها دیگر حرف‌هایش را تغییر داد و این بار گفت: در حال حرکت بودم که متوجه شدم خودروی اتوبوس دیگری به من چراغ می‌دهد. همزمان مرد موتورسواری هم به من رسید و گفت مسافر اتوبوسم از داخل پنجره اتوبوس خودش را به پایین انداخته است.

در حالی که مأموران با تناقض گویی‌های متهم روبه‌رو شده بودند در بررسی‌های فنی دریافتند راننده اتوبوس پس از خالی کردن مسافرانش در ایستگاه آخر از خانم معلم که احتمالاً مدعی شده مسیرش با او یکی است، خواسته تا او را به مقصد برساند و او هم قبول کرده است اما وقتی راننده به خیابان خلوتی پیچیده است خانم معلم ترسیده و از او خواسته خودرو را متوقف کند که راننده توقف نکرده و خانم معلم از ترس خودش را از پنجره به داخل خیابان انداخته است. این گمانه‌زنی‌های پلیس در حالی صورت می‌گیرد که فرضیه‌های دیگری هم در این پرونده از سوی مأموران مطرح است که انگشت اتهام قتل عمد به سوی راننده اتوبوس نشانه می‌رود.

تحقیقات از متهم به دستور بازپرس جنایی تا روشن شدن زوایای پنهان حادثه ادامه دارد.

نجات ۳ عضو یک خانواده از مرگ خاموش

سه عضو یک خانواده که دچار حادثه گازگرفتگی شده‌بودند از مرگ حتمی نجات یافتند.

این حادثه ساعت ۱۷:۱۵ عصر روز دوشنبه در خیابان ابومسلم شهرک مسعودیه اتفاق افتاد. حمیدرضا حسین ریکا، فرمانده آتش‌نشانان ایستگاه ۳۷ که در محل حاضر بود، گفت: محل حادثه آپارتمانی ۷۰متری بود که به دلیل نشت گاز منوکسیدکربن مادر ۲۵ساله و دو فرزند پسر چهار و پنج‌ساله‌اش دچار مسمومیت شده و از هوش رفته‌بودند. وی ادامه داد: آتش‌نشانان پس از قطع گاز و برق ساختمان و رعایت موارد ایمنی اقدام به باز کردن در این واحد مسکونی کرده و سه مصدوم را با کمک امدادگران اورژانس راهی بیمارستان کردند که وضعیت آنها به گفته پزشک مساعد اعلام شده است.

کشف یک تن تریاک در عملیات مسلحانه

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان از کشف بیش از یک تن تریاک در درگیری مسلحانه پلیس با سوداگران مرگ در شهرستان خاش خبر داد.

به گزارش جوان، سردار محمد قنبری گفت: پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان خاش با پشتیبانی اطلاعاتی پلیس مبارزه با مواد مخدر استان از جابه‌جایی محموله مواد مخدر از مناطق مرزی به حوزه استحفاظی این شهرستان، توسط اعضای یک باند حرفه‌ای قاچاق موادمخدر مطلع شد. وی افزود: تیم‌های عملیات ویژه پلیس مبارزه با مواد مخدر خاش، با رصد مداوم تحرکات اعضای این باند مسلح، بامداد روز گذشته قاچاقچیان را که با خودروی وانت نیسان آبی در یکی از محورهای فرعی منتهی به شهر خاش در تردد بودند، شناسایی کردند و تحت نظر قرار دادند. سوداگران مرگ به محض ورود به منطقه کمین بدون توجه به ایست مأموران انتظامی شروع به تیراندازی به سمت خودروهای پلیس کردند و با عوامل انتظامی درگیر شدند. در این درگیری که ساعتی به طول انجامید، قاچاقچیان در مواجهه با آتش پر حجم تکاوران پلیس، عرصه را بر خود تنگ دیدند و با رها کردن خودرو و استفاده از تاریکی هوا به سمت ارتفاعات منطقه متواری شدند که در بازرسی از خودروی توقیف شده، یک تن و ۲۲ کیلو و ۹۲۴ گرم تریاک کشف کردند. فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان گفت: تحقیقات برای بازداشت متهمان در جریان است.